

فهرست مطالب

۱۳.....	قدرشناسی
۱۵.....	پیش‌گفتار

بخش اول. کلیات و روش‌شناسی بحث

۲۱.....	فصل اول. تاریخ همچون یک علم تجربی
۲۳.....	تعریف تاریخ
۲۳.....	قیود تعریف
۲۵.....	علم‌بودن تاریخ
۲۵.....	علم چیست؟
۲۷.....	علم تجربی
۳۲.....	مسئله‌ی روش
۳۳.....	مراحل چهارگانه‌ی روش تجربی
۳۵.....	لزوم بی‌طرفی علمی
۳۸.....	رویکرد انتقادی
۴۰.....	دقت علمی و نقدپذیری
۴۲.....	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

فصل دوم. پیشه‌ی مورخان و اختلاف نظرهای درباره‌ی آن..... ۴۷

- منابع تاریخی..... ۴۸
- دومین ابزار: تئوری‌های علوم اجتماعی..... ۵۱
- روش تحقیق در تاریخ..... ۵۴
- واقع‌نمایی تاریخ..... ۵۵
- تاریخ: وقایعی که روی نداده‌اند به روایت افرادی که آن‌ها را ندیده‌اند[؟]..... ۵۵
- دفاع از واقع‌نمایی تاریخ..... ۶۱
- جعل مطلق و صددرصد نداریم..... ۶۱
- همه‌کس را نمی‌شود برای همیشه گمراه کرد..... ۶۳
- فایده‌ی تاریخ..... ۶۴

فصل سوم. تحریر محل نزاع..... ۷۱

- آشنایی با علم فقه..... ۷۱
- فقه چون یک نظام منسجم از آگاهی‌ها..... ۷۲
- احکام شرعی فرعی..... ۷۵
- ادله‌ی تفصیلی..... ۷۷
- بازنگری در عنوان درس «تاریخ فقه و فقها»..... ۷۸
- نقطه‌ی آغاز بحث درباره‌ی تاریخ فقه..... ۷۹
- پی‌جویی جریان اجتماعی مُسمّا به فقه..... ۸۱
- پی‌جویی علم فقه با هر عنوان دیگری..... ۸۳
- پی‌جویی مستقل یکایک موضوعات علم فقه از بدو پیدایی تاکنون..... ۸۵
- راه‌حل پیشنهادی: مطالعه‌ی تحولات روش‌شناسی علم فقه..... ۹۰

بخش دوم. از قانون عرفی تا شریعت: مروری بر تحولات حقوقی،
عبادی و منسکی جامعه‌ی عرب در آستانه‌ی ظهور اسلام

فصل چهارم. فرهنگ عرب و تحولات آن در آستانه‌ی ظهور اسلام..... ۹۵

- فرهنگ..... ۹۵
- رابطه‌ی محیط و فرهنگ..... ۹۶

فرهنگ؛ مجموعه‌ای مرکب.....	۹۸
ابعاد مختلف فرهنگ.....	۹۸
فرهنگ و شیوه‌ی زندگی.....	۱۰۰
رابطه‌ی فرهنگ با گذشت زمان.....	۱۰۳
فرهنگ و کنترل اجتماعی.....	۱۰۴
رابطه‌ی میان فرهنگ و قوانین.....	۱۰۷
ضرورت آگاهی از فرهنگ عرب صدر اسلام برای مطالعه‌ی تاریخ فقه.....	۱۰۸
تأملاتی درباره‌ی شیوه‌ی زندگی عرب‌ها در آستانه‌ی ظهور اسلام.....	۱۰۸
جغرافیای انسانی شبه‌جزیره‌ی عربستان و تأثیر آن بر فرهنگ عرب‌ها.....	۱۱۳
جمعیت و کنترل آن.....	۱۱۷
جاهلیت.....	۱۲۳
جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....	۱۲۴
فصل پنجم. تحولات هویت، عقیده و فرهنگ عبادی عرب‌ها با ظهور اسلام.....	۱۲۷
منابع ما برای شناخت فرهنگ عرب.....	۱۲۷
دین عرب‌ها قبل از اسلام.....	۱۳۱
توتم‌پرستی عرب‌ها.....	۱۳۱
بت‌پرستی.....	۱۳۵
جایگاه نمادین بت‌ها در زندگی عرب پیش از اسلام.....	۱۳۸
مسیحیان.....	۱۳۹
یهودیان و بحران هویتی که برای عرب‌ها ایجاد کرده بودند.....	۱۴۲
راهکارهای پیامبر (ص) برای حل مشکلات هویتی قوم عرب.....	۱۴۶
تحول مناسک دینی عرب.....	۱۴۸
نماز.....	۱۴۹
روزه.....	۱۵۰
حج.....	۱۵۳
جمع‌بندی.....	۱۵۶
فصل ششم. تحولات فرهنگ و قوانین تجاری عرب‌ها در صدر اسلام.....	۱۵۹
جایگاه مکه در تجارت عرب‌ها.....	۱۶۰

۱۶۲.....	تحول تجارت عرب‌ها در آستانه‌ی ظهور اسلام
۱۶۴.....	روش قریشیان برای حفظ امنیت تجارت
۱۶۸.....	مشکلات تجاری قریش با ظهور اسلام
۱۶۹.....	تحول قوانین تجاری با ظهور اسلام
۱۷۰.....	پیشینه‌ی بیع چون یک روش دادوستد
۱۷۳.....	انواع بیع در فرهنگ عرب پیش از اسلام
۱۷۷.....	ربا
۱۷۷.....	جمع‌بندی
فصل هفتم. تحولات آیین دادرسی و حقوق جزا	
۱۷۹.....	مقدمه
۱۸۱.....	آیین دادرسی در اشکال مدرن آن؛ کوششی برای مطالعه‌ی تطبیقی
۱۸۶.....	موضوع شایان دادرسی
۱۸۸.....	طرفین دعوا در دادرسی‌ها
۱۸۸.....	حکمیت و قضاوت
۱۹۰.....	شیوه‌ی انتخاب قاضی
۱۹۱.....	جایگاه حُکما و کاهنان
۱۹۴.....	نظام حقوقی حاکم بر دادرسی
۱۹۴.....	رویه‌های قضایی
۱۹۵.....	ادله‌ی اثبات دعوا
۱۹۷.....	تحول آیین دادرسی عرب
۲۰۴.....	مرور، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از بخش دوم

بخش سوم. تحول شیوه‌های صدور حکم شرعی در دوران شکل‌نیافتگی علم فقه

۲۰۹.....	فصل هشتم. قوانین اسلامی در عصر صحابه
۲۱۰.....	جایگاه صحابه‌ی پیامبر (ص) در انتقال تعالیم ایشان
۲۱۲.....	فتوح: مهم‌ترین رویداد اجتماعی عصر صحابه

۲۱۳	تأثیر فرهنگی فتوح.....
۲۱۹	شیوه‌های برخورد صحابه با تنوع فرهنگی.....
۲۲۳	منابع صحابه در صدور رأی.....
۲۲۸	اختلاف فتاوی صحابه.....
۲۳۲	نتیجه.....
۲۳۵	فصل نهم. فقه در عصر تابعین.....
۲۳۷	عصر تابعین، دوران حکمرانی امویان.....
۲۳۹	اقدامات فرهنگی حاکمان اموی.....
۲۴۰	اقدامات فرهنگی مخالفان حکومت اموی.....
۲۴۳	معارف در عصر تابعین.....
۲۴۶	چالش‌های فکری در عصر تابعین.....
۲۴۹	تأثیر حکومت امویان در مشخص شدن مصادیق تابعین.....
۲۵۰	مکاتب فقهی در عصر تابعین.....
۲۵۳	اختلافات ریشه‌ای رأی‌گرایان و اثرگرایان.....
۲۵۶	اصحاب رأیت و طلیعه‌های رأی‌گرایی.....
۲۶۰	مهم‌ترین ویژگی‌های فقه تابعین.....

بخش چهارم. جریان‌های فکری نیمه‌ی دوم سده‌ی ۲ ق. و پیدایی تدریجی فقه، چون یک علم

۲۶۷	فصل دهم. ظهور اصحاب رأی.....
۲۶۹	کوفه خاستگاه اصحاب رأی.....
۲۷۴	ظهور ابوحنیفه.....
۲۸۰	مذهب فقهی ابوحنیفه.....
۲۸۵	شیوه‌ی کاربرد رأی نزد ابوحنیفه.....
۲۸۷	الف) قیاس.....
۲۹۲	ب) استحسان.....
۲۹۵	استحکام تدریجی بنیان‌های علم فقه پایه‌پای شکل‌گیری مکتب اصحاب رأی.....
۲۹۷	اصحاب رأی پس از ابوحنیفه.....

فصل یازدهم. اصحاب حدیث متقدم ۲۹۹

تفکیک فقه از دیگر معارف اسلامی ۳۰۰

اصحاب حدیث متقدم و متأخر ۳۰۳

پیشینه‌ی اصحاب حدیث و اندیشه‌های شاخص ایشان تا دوران مالک بن انس ۳۰۳

مالک بن انس اصبّیحی، مشهور به «امام دارالهجرة» (۹۳-۱۷۹ ق.) ۳۰۸

الموطأ مالک، مهم‌ترین منبع برای آشنایی با آموزه‌های وی ۳۱۱

صورت‌بندی اندیشه‌ی فقهی مالک ۳۱۸

جمع‌بندی: مروری بر سیر تاریخی اندیشه‌های اصحاب حدیث ۳۲۴

فصل دوازدهم. مکاتب فقه شیعی ۳۲۷

فرق شیعی در نیمه‌ی سده‌ی دوم هجری ۳۲۸

مشکلات بحث از تاریخ فقه شیعه ۳۳۱

شکل‌گیری مکتب فقهی شیعه ۳۳۶

مطالعه‌ی موردی فقه ابان بن تغلب، همچون یکی از شاگردان امام باقر(ع) ۳۴۴

امام صادق(ع) و استحکام مبانی فقه جعفری ۳۵۰

روش‌شناسی بحث درباره‌ی فقه امام صادق(ع) ۳۵۳

مبنای معرفت‌شناختی استنباط فقهی امام(ع) ۳۵۵

روش امام(ع) در تفسیر ظواهر کتاب ۳۵۸

مبنای امام(ع) در استنباط از روایات ۳۶۱

نقش شاگردان امام صادق(ع) در شکل‌گیری مکتب فقه جعفری ۳۶۴

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ۳۶۶

فصل سیزدهم. ظهور شافعی، نظریه‌ی «بیان»، حدیث فرابومی و علم اصول ۳۶۹

جایگاه شافعی در تاریخ علم فقه ۳۷۱

اهم آثار شافعی ۳۷۸

نگرش‌های کلامی شافعی ۳۸۰

نظریه‌ی بیان و رواج عقلانیتی مطلق‌نگر در تحلیل ادله‌ی احکام ۳۸۰

مبانی اصولی شافعی ۳۸۵

سابقه‌ی تفکر شافعی در محیط مصر، پیش از خود وی ۳۹۲

فصل چهاردهم. اصحاب حدیث متأخر.....	۴۰۱
امپراطوری عباسیان در آستانه‌ی سده‌ی ۳ ق. و اثر آن بر تحولات فقه اسلامی.....	۴۰۲
زمینه‌های فرهنگی ظهور اصحاب حدیث متأخر.....	۴۰۶
شکل‌گیری مکتب اصحاب حدیث در بغداد.....	۴۰۹
فقه اصحاب حدیث متأخر.....	۴۱۵
احمد بن حنبل مشهورترین شخصیت میان اصحاب حدیث متأخر.....	۴۲۳
عقاید احمد.....	۴۲۷
آثار وی.....	۴۲۸
مبانی فقهی احمد.....	۴۲۹
فصل پانزدهم. استدراک.....	۴۳۱
منابع.....	۴۳۷

قدرشناسی

تاریخ فقه اسلامی در سده‌های نخستین برپایه‌ی گفتارهای نگارنده برای درس «تاریخ فقه و فقه‌ها» در دوره‌ی کارشناسی فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی آزادشهر پدید آمده است. نخست همت جمعی از دانشجویانم را سپاس می‌گویم که دست‌نوشته‌های‌شان را در اختیارم گذاردند، آقایان و خانم‌ها: فرشته بکیاسا، معصومه کیانی، کاظم کوهستانی، زهرا طاهرخانی، غزاله کاسب، لیلا جمال‌آبادی، رضا وطنی، سونا خانجانی، مصطفی موحدی و محمد لطفی.

از دوستان فرهیخته و دانش‌دوستم که با مطالعه‌ی این اثر برخی نقاط ضعف را گوشزد کردند و به اصلاح آن مدد رساندند سپاس گزارم؛ آقای دکتر عباس اسکوئیان، آقای دکتر سعید زعفرانی، خانم دکتر مژگان سرشار، سرکار خانم راحله نوشاوند و نیز دانشجوی کوشا، جناب آقای امید فیض‌زاده. این اثر در مراحل آماده‌سازی نهایی نیز به دوست عزیز و دانشمندم آقای مرتضی کریمی‌نیا بسیار مدیون است. او با مشورت‌های عالمانه و همدلی‌های دوستانه و مشفقانه‌ی خویش گذشته از آن‌که مرا در بهبود کیفیت علمی راهنما بود، به ارائه‌ی بهینه هم یاری رساند.

آن‌که متعهدانه و دلسوزانه بیش از همه وقت گذاشت و با دقتی تحسین‌برانگیز ظرایف اثر را کاوید، یار مهربانم آقای دکتر سیدعلی آقایی است. به‌واقع نمی‌دانم چگونه

می‌شود قدری از محبت ایشان را سپاس گزارد. از نقدها و نکته‌سنجی‌های او بسیار آموختم. کوشیدم نقدهای عالمانه‌اش را ارج نهم و از آن‌ها برای بهبودبخشی کیفیت اثر بهره‌جویم. این‌که وی با اشتیاق تمام در همه‌ی اجزای اثر نگرست، از دید من معنایی جز مقبولیت نسبی اثر نداشت. امیدوارم در میان دیگر خوانندگان هم نوشته‌ام چنین بخت برخورداری بیابد. در آخرین مرحله نیز یار مهربانم آقای دکتر هادی رهنما نسخه‌ی نهایی را بازخوانی کردند و نکاتی مهم را یادآور شدند. لطف و یاری همه‌ی این عزیزان را ارج می‌نهم. خود را در جبران این محبت‌ها ناتوان می‌شناسم و از خداوند متعال برای‌شان به دعا توفیق می‌طلبم.

سرآخر، سپاس ویژه‌ی من همسر عزیزم راست که در مدت بازخوانی و تنظیم اثر، شرایط سخت مرا همدلانه به رسمیت شناخت و متانتش مثل همیشه قوت قلبم بخشید. سپاس من از وی از جنسی دیگر است و با هیچ بیانی قدرشناس لطفش نمی‌توانم بود. امیدوارم این بیان شرم‌آگین بتواند قدری — هرچند اندک — از حق‌شناسی مرا نسبت به وی حکایت کند. بدون عشق و همراهی او من هیچ هیچم و هرگز نمی‌توانم گمان برم که مطالعاتم بدون لطف و مهر و تشویق و همدلی او فرجامی بیابد.

آن را به دانشجویانی هدیه می‌کنم که با پرسش‌های مکرر خویش در کلاس و بیرون بر غنای بحث‌ها خواهند افزود. آن‌ها با اظهارنظرهاشان که مرا دائم به فکر فرومی‌برد و برایم پرسش‌ارمغان می‌آورد، بسی رهین منت خویشم خواهند ساخت. همیشه با دوستان نقاد و خوش‌فکربودن برایم احساس بال درآوردن و پرواز همراه آورده است. هم ایشان را و هم حسّ معنوی «با ایشان تأمل کردن» را گرامی می‌دارم.

پیش‌گفتار

تاریخ فقه در ایران و به‌طور کلی در سراسر تمدن اسلامی تاریخ اندیشه‌ورزی درباره‌ی آیین‌های هویت‌ساز عبادی و حقوقی است؛ یعنی مسائلی که طی قرن‌ها مهم‌ترین مسائل اجتماعی محسوب شده، جریان‌ساز بوده، مهم‌ترین تحولات فرهنگی و سیاسی را شکل داده و همواره خود نیز از آن‌ها اثر پذیرفته‌اند. فقه در «تمدن‌های نقل‌محور» همان جایگاهی را داراست که فلسفه در تمدن‌های مبتنی بر عقل خودبنیاد دارد. برای شناخت تاریخ اندیشه‌ها در ایران، باید از تاریخ فقه جويا شد. همان کاری که هنوز عزمی جدی برای انجامش نداریم. حتا گاه شنیده می‌شود برخی می‌گویند: «مسلمان‌ها در همان علم فقه نیز که اصلی‌ترین دغدغه‌شان بوده است، چندان رویکرد نظری نداشته‌اند!» سخنانی که معلوم نیست بر مبنای کدامین مطالعه‌ی روش‌مند بنا شده است.

در این اثر، رسالتِ محوری خویش را معرفی علم تاریخ و بازنمایی ضرورت آشنایی با آن تشخیص داده‌ام. به همین منظور کوشیده‌ام دانشجو را با نوع نگاه مورخانه، علوم یاری‌رسان به مورخان، شیوه‌ی تحلیل تاریخی، رابطه‌ی میان تاریخ و دیگر علوم اجتماعی و درنهایت، کاستی‌ها و نقاط ناپژوهیده در حوزه‌ی مطالعات تاریخ فقه اسلامی و منابع دست اول آن آشنا کنم.

تلاش کرده‌ام تحولات فقه را در آینده‌ی مسائل خود جامعه‌ی اسلامی ببینم؛

برخلاف مستشرقانی که ریشه‌ی همه‌ی تحولات جامعه‌ی اسلامی را در اموری بیرون از آن و در تقلید از جوامع دینی اطراف‌شان می‌جویند. کوشیده‌ام نشان دهم بسیاری از اندیشه‌های حقوقی متکامل دوره‌های بعد ریشه در همان دیدگاه‌های کهن دارد. گاه مکتبی با گذشت سده‌ها، سرآخر پا در مسیر همان کسان می‌گذارد که دیرزمانی به مخالفت‌شان شهره بوده است.

کوشیده‌ام نشان دهم چگونه بنای رفیع و ارزشمندی چون فقه به کوشش‌های همه‌ی مکاتب فکری با دستاوردهای متنوع‌شان متکی است و چگونه مکاتبی که از دید دیگران مبانی و روش‌های صحیحی نداشته‌اند، با ترویج نگرش‌های خاص خود اسباب رشد و تحول کلی علم فقه در سده‌های بعدی را فراهم آورده‌اند. خواسته‌ام نشان دهم «علم یک بازی جمعی است».

در این اثر، همواره درگیری ذهنی‌ام بر سر پرسش‌ها بوده است نه پاسخ‌ها. وقتی درباره‌ی شیوه‌ی عبادات عرب پیش از اسلام، آیات مرتبط با سجده در قرآن، عریانی عرب‌های پیش از اسلام در هنگام طواف و هر مسئله‌ی دیگری از این دست بحث می‌کنم، هرگز نمی‌خواهم پاسخ چنان پرسش‌هایی کلی را در کلاس درس بیابم. پرسش‌هایی که اگر زمانی قرار باشد پاسخش پیدا شود، باید جامعه‌ی علمی کشور و دانش‌پژوهان رشته‌های مختلف سال‌های سال مشارکت گروهی کنند و مسئله را در پژوهش‌های خویش از منظرهای مختلف بکاوند. هدف آن است که بنمایانم درباره‌ی پرسش‌هایی به این مهمی، چه‌قدر ما متساهلانه برخورد کرده‌ایم و چه‌قدر «نمی‌دانیم». این شیوه کوتاه‌ترین راه برای فراخواندن دانشجویان به پژوهش در این عرصه‌ها بوده است.

سبب بیان این همه حواشی و مقدمه‌های طولانی در هر فصل این است که درس به دانشجویان ورودی ۱۳۸۵ در نخستین ترم تحصیل‌شان ارائه شده بود و آن‌ها بدون گذراندن پیش‌نیاز چنان‌که متأسفانه در برنامه‌ی مصوب کتونی مرسوم است، سر کلاس نشسته بودند. مجبور بودم اول بگویم فقه چیست، تاریخ چیست، عنوان درست درس کدام است.... قضاوت دقیق‌تر درباره‌ی ضروری بودن یا نبودن طرح این بحث‌ها را به خواننده‌ی زیرک وامی‌نهم.

باری، اکنون که تدوین درس‌گفتارها را از نظر می‌گذرانم، حجم آن را متناسب با تاریخ فقه دو واحدی نمی‌بینم چون درس‌گفتارها با سیستم چهار واحدی تنظیم شده بودند و از همین رو در آن هیچ حرفی درباره‌ی تاریخ فقه سده‌های متأخرتر دیده نمی‌شود. امیدوارم برنامه‌ریزان درسی با نظر به گستردگی این مطالب، در تصمیم خویش مبنی بر کاستن از شمار واحدهای تاریخ فقه بازنگرند و باز برای تاریخ فقه، کمینه همان چهار واحد پیشین را در برنامه‌ی درسی رشته‌ی فقه و مبانی حقوق در نظر گیرند.

نیز امیدوارم دانشجویهایی که در تدارک و تکاپوی موضوع‌یابی برای پایان‌نامه و تحقیق‌اند با نظر در این اثر به مطالعه در گستره‌ی تاریخ فقه علاقه‌مند شوند. شاید شیوه‌ی طرح سؤال اثر و دعوت دائم مؤلف به تأمل و نقادی به درد آشنایی با موضوعات محتاج پژوهش در عرصه‌ی تاریخ فقه بخورد. متواضعانه، خواندنش را به دانشجویان فاضل رشته‌های فقه و مبانی حقوق اسلامی، تاریخ و تمدن اسلامی، علوم قرآن و حدیث، تاریخ ادیان و مردم‌شناسی پیشنهاد می‌کنم.

در پایان هر درس، چند کتاب و مقاله برای مطالعه‌ی بیش‌تر معرفی کرده‌ام با این قصد که اگر دانشجویی مراجعه‌ی هفتگی بدان‌ها را پی گرفت، به مرور با تاریخ فقه اسلامی و اهم منابع آن آشنا شود. امیدوارم این اثر به دست دانشجویان تازه‌واردی بیفتد که می‌دانند چه قدر تحصیل دوره‌ی کارشناسی در سرنوشت علمی فرد مهم و حیاتی است. امیدوارم اگر کسی در خود استعداد و علاقه به تاریخ فقه دید، بتواند برای دوران تحصیل خویش در مقطع کارشناسی سیر مطالعاتی مناسبی طراحی کند. کار سختی نیست! کافی است همان منابع معرفی‌شده در پایان هر درس را نیک بنگرد یا اگر به موضوعی علاقه‌مند شد، به منابع بحث مراجعه کند. نمی‌توانم تضمین کنم، اما کوشیده‌ام انتخاب منابع و توضیحات درسی چنان باشد که دانشجو اندیشیدن را نیز فراگیرد؛ چنان‌که کوشیده‌ام راه‌هایی نیز برای پاسخ‌گفتن به پرسش‌های تاریخی فرارو نهم. باور دارم اگر دانشجویان مراجعه‌ی تدریجی و هفتگی بدان‌ها را پی گیرند، چه‌بسا به مرور در شناسایی و کاربرد منابع مهم و دست اول تمدن اسلامی در حوزه‌های مختلف خیره شوند.

اگر نکته‌ای لطیف در اثر دیده شود، به احتمال قوی حاصل شاگردی‌های من است. ارجاعات به آثار محققان مختلف، به‌ویژه استادانم تا حدودی گویای حجم این اقتباس‌اند و می‌توانند نکته‌بینی‌هایی را که خود گه‌گاه داشته‌ام از آموخته‌هایم جدا کنند. در این میان، یک نکته برای هر خواننده‌ی آشنا با بحث طرح می‌شود که از باب ضرورت اخلاقی باید بدان تصریح کنم. آن‌چه از جناب استاد دکتر احمد پاکتچی فراگرفته‌ام و خواه‌ناخواه در این اثر ظاهر شده، بسیار بیش از موارد ارجاع مستقیم به آثار ایشان است. باین حال، چنین مطالب و نحوه‌ی برقرارکردن پیوند میان آن‌ها از من است و به‌طبع مسئولیت هرگونه لغزش و اشتباهی نیز برعهده‌ی من خواهد بود.

خواننده‌ی این اثر به‌خوبی حس خواهد کرد که با متنی روبه‌رو است که بیان و رویکردی آموزشی دارد. به‌سبب همین رویکرد آموزشی و معلمانه است که کوششی برای تغییر کلی شیوه‌ی گفتاری بیان به خرج نداده‌ام یا حداقل امکان منابعی فارسی و دسترس‌پذیر معرفی کرده‌ام. امیدوارم از این رهگذر برای تبادل تجربه با معلمان دلسوز و همکاران فاضل خویش راهی بیابم.

آرزوی دوری نیست که این اثر بر سرنوشت خواننده‌اش نیز اثر بگذارد و با کشاندن پای او به مطالعه در عرصه‌ی تاریخ فقه، فصل نوینی از حیات علمی پیشاروی وی بگشاید. بادا که این مطالعه وقتی با نگاه نقادان نکته‌سنج همراه می‌شود، مرا هم به آن‌چه در پیش هستم برساند. باشد که ما از این راه گامی به مقدس‌ترین عشق بشر — حقیقت — نزدیک‌تر شویم و باشد که در پس این انتقادهای موجوداتی ناقص همچون من و این اثرم نیز راه کمال خویش بیابند.

دکتر حامد خانی (فرهنگ مهرش)
 دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرگان
 آژادشهر، آبان ۱۳۹۳